

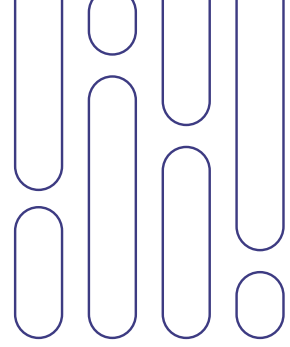
گزارش

# از سیاست تا فرقه گرایي: مالکي و راه گم کردن (نشانه های فرقه گرایي در سخنرانی مالکي)

18 جولای 2023 میلادی



**RASANAHA**  
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية  
International Institute for Iranian Studies



## فهرست

- 3 ..... انگیزه های اظهارات مالکی .. بازیابی موقعیت
- 5 ..... پیامدهای اظهارات مالکی: در تقابل با عراق و شهروندان عراق
- 6 ..... مالکی و مرام حزب الدعوه
- 6 ..... پیامدهای اظهارات مالکی

نوری مالکی (1950-..). رهبر حزب الدعوه و نخست وزیر پیشین عراق (2006-2014 میلادی)، به مناسبت عید غدیر سخنان جنجال برانگیزی ایراد کرد و گفت: ” هفتاد سال به امام علی روی منبرها دشنام می دادند ”، مسلمانان با لعن به علی با یکدیگر مصافحه می کردند، ” او عمرو بن عاص را یک فرد «خبث»! خواند. او در این سخنرانی فرقه گرایانه به ماجرای فتنه هزار و چهارصد سال قبل میان صحابه پرداخت. درونمایه این سخنرانی نه تنها در فهم تفکر مالکی بلکه در فهم و آنالیز سیاستهای فرقه گرایانه وی در زمان نخست وزیری اش نقش کلیدی دارد. درک او از روابط بین الملل، دید او نسبت به دیگری و نقشه های پنهان درگیری در اندیشه او، از رویکردهای ایدئولوژیک فرقه گرایانه و طرد گرایانه نشأت می گیرد. و اینگونه است که او اصلاً مفهوم دولت نوین، مفهوم شهروندی و تکثرگرایی، فقه دولت مدرن و قانون محور را قبول ندارد. و این اندیشه او در مصاحبه ای که با یکی از روزنامه های غربی داشت کاملاً آشکار است؛ آنجا که گفت: « من اولاً یک شیعی هستم و بعد، یک شهروند عراقی ».

## انگیزه های اظهارات مالکی.. بازیابی موقعیت

مالکی این سخنان را در مراسمی که حزب الدعوه به مناسبت عید غدیر برگزار کرده بود، ایراد کرد. به نظر می رسد که با این اظهارات چندین هدف را نشانه گرفته است؛ مخصوصاً اینکه او می داند که سخنان او در میان همه شهروندان عراق که خواهان یک دولت ملی و قانون محور هستند و بیش از هزار سال همزیستی مسالمت آمیزی با یکدیگر داشته اند، سر و صدایی برپا خواهد کرد. به نظر می رسد که مالکی از ایراد این سخنان انگیزه هایی داشته است؛ هم انگیزه های سیاسی و انگیزه های دینی و مذهبی. او تلاش دارد از باب مذهب گرایی و برانگیختن بحث فرقه ای بار دیگر حضور خود را در عرصه سیاست رقم بزند.

یک فرقه گرایی و عبور از انزوای سیاسی: مالکی با این سخنان، از اندیشه و دید خود نسبت به دیگری پرده برداشت. او پیش از این در اظهاراتی، از اختلاف سیاسی در عراق به عنوان اختلاف میان ” پیروان حسین و پیروان یزید ” نام برده بود و تصریح کرده بود که ” پیروان یزید هنوز هم هستند ”. در نتیجه، دیدگاه او نسبت به شرایط کنونی این نیست که او اختلاف داخلی را یک اختلاف سیاسی میان شهروندان یک کشور بداند بلکه او از زاویه دیگری یعنی از زاویه فرقه گرایانه به آن نگاه می کند و مخالفین خود را دشمنانی می داند که قتل و یا - همانطور که در یکی از مصاحبه های خود گفت - سرکوب آنها مجاز است. مالکی از زمانیکه در سال 2014 میلادی پست نخست وزیری را ترک کرد، از لحاظ سیاسی و از سوی همه طرفهای تأثیرگذار حتی در میان شیعیان نیز به حاشیه رانده شده است. بنابراین، او در پوشش فرقه گرایی تلاش دارد تا بار دیگر پایگاه مردمی خود را احیا کند. رابطه تنش آلود او با حوزه شیعی نجف و با جریان صدر نشان می دهد که حزب الدعوه تنها به عنوان یک جنبش اسلامی خود را حفظ کرده است و تناسب چندانی با یک جریان شیعی سنتی و حتی دیگر جنبشهای شیعی ندارد.

دو. مقدمه چینی برای بازگشت جنبشهای تندرو: احتمالاً، مالکی با این سخنان قصد داشته است تا عراق را بار دیگر به وضعیت خشونت مسلحانه فرقه ای میان شیعه و سنی سوق دهد؛

همانطور که بزرگترین خشونت فرقه ای در تاریخ عراق در دوران او و در سال 2006 میلادی و سپس 2013 میلادی روی داد و در سال 2014 میلادی گروه دولت اسلامی داعش موصل را به تصرف خود در آورد. و گزارشاتی در دست است که مالکی را متهم می سازد ورود داعش به شهر موصل را تسهیل کرده است. اینگونه اظهارات - چه آگاهانه و هدفمند و چه ناآگاهانه صورت گرفته باشد - فضای مناسبی را برای ایجاد خشونت فرقه ای متقابل فراهم می سازد که سازمان اطلاعات امریکا در سال 2014 میلادی در حوادث مشابهی که مالکی علت آنها بود، نسبت به آن هشدار داده بود.

سه. ضربه زدن به تفاهمهای داخلی و منطقه ای: یکی از انگیزه های احتمالی مالکی این است که او در صدد است به تفاهمهای داخلی و منطقه ای ضربه بزند و این پیام را مخابره کند که در هیچ تفاهمی در داخل و یا خارج عراق نمی توان او را نادیده گرفت و باید او نیز یکی از طرفهای تأثیرگذار باشد و او کسی است که اگر اراده کند می تواند آن تفاهمها را بر باد دهد. اکنون منطقه به تنش زدایی روی آورده است و بازیگران منطقه ای با یکدیگر به توافقاتی دست یافته اند و پیمانهایی بسته اند. از این رو، بسیاری انتظار دارند که خاورمیانه به مرحله تازه ای از ثبات و پویایی وارد شود؛ به ویژه بعد از تحولات سازنده اخیر که از جمله آنها می توان به توافق اخیر میان ایران و عربستان سعودی در زمینه احیای روابط دیپلماتیک و بازگشایی سفارتخانه ها و تقویت رابطه عربستان سعودی و ترکیه و نیز تنش زدایی میان مصر و ترکیه که منجر به ارتقای روابط دو کشور شد و همچنین مذاکرات کنونی میان مصر و ایران و تلاش برای تقویت روابط میان کشورهای عربی و سوریه که اخیراً کنفرانس جده شاهد حضور رئیس جمهوری سوریه نیز بود و ورود عراق به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در میزبانی از گفتگوها میان طرفهای گوناگون اشاره کرد. احتمالاً این تفاهمهای منطقه ای نگرانی طرفهای تندرو را برانگیخته است که امروز مالکی سخنگوی آنان شده است. و شاید هم طرفهای خارجی که از وجود یک عراق با ثبات ناراضی هستند، با مالکی توافق کرده اند که اوضاع را برهم بزنند. و این احتمال نیز وجود دارد که مالکی شخصاً از تفاهمهای منطقه ای که او را بیشترین تهدید را حاشیه سوق می دهد نگران است.

چهار. کسب مشروعیت و رقابت با رقبای ایدئولوژیک: نکته باریک اینجاست که مالکی علی رغم اینکه رهبر بزرگترین حزب اسلامی عراق است؛ یعنی حزب الدعوه که محمد باقر صدر آن را تأسیس کرد، اما او صرفاً یک سیاستگری است که نه در شمار روحانیون و حوزوی هاست و نه از خانواده مذهبی و حوزوی است. برخلاف رقیبش مقتدی صدر او از روحانیون سیاسی که از یک خانواده مذهبی و حوزوی نامدار باشد، هم نیست. در نتیجه، مالکی که پایگاه مردمی خود را از دست داده است، اکنون در صدد است با رقبای شیعی خود مانند حوزوی ها و صدری ها هم‌اوردی کند. از این رو، او بر طبل فرقه گرایی و عوامگرایی می کوبد.

پنج. نگرانی هویتی: مسأله مهم دیگری که نباید از آن غفلت کرد این است که مالکی علاوه بر اینکه در صدد است به تفاهمهای منطقه ای ضربه بزند، برای ضربه زدن به آرامش و ثبات داخلی عراق نیز کمر همت بسته است. اخیراً عراق شاهد بروز یک گرایش ملی و عربی است که تمام فضای کشور را در بر می گیرد. این امر مایه نگرانی مالکی و تندروها را فراهم کرده است.

از این رو، مالکی با اظهارات اخیر خود در تلاش است ضمن اینکه موقعیت خود را در جامعه عراق تثبیت کند، فرقه گرایی و مذهب گرایی را در مرکز رقابت‌های عراقی-عراقی جای دهد. و اختلافات سیاسی را از مرحله فکری به مرحله صف آرای مذهب و اعتقادی سوق دهد. و این مرحله ای بس خطرناک است که سرنوشتی جز جنگ در پی ندارد و امنیت یک کشور با ثبات را تهدید می کند. و اوضاع داخلی را دچار هرج و مرج می سازد؛ زیرا مالکی و فرقه گرایان امثال او بازیگری در شرایط هرج و مرج را بسیار خوب بلد هستند و می دانند که چگونه از آب گل آلود ماهی بگیرند.

## پیامدهای اظهارات مالکی: در تقابل با عراق و شهروندان عراق

این اولین باری نیست که مالکی با اظهارات جنجال برانگیز تلاش می کند میان ملت عراق چند دستگی ایجاد کند. او پیش از این نیز سخنان تندی در مورد تمامی جریانهای عراقی و حتی جریانهای شیعی ایراد کرده بود. در سال 2022 میلادی سخنانی از او منتشر شد که مقتدی صدر رهبر شیعی را به جنگ و کشتار تهدید می کرد. او گفته بود: «مرحله بعد، مرحله جنگ است و صدر خون می خواهد... من به نخست وزیر مصطفی الکاظمی گفتم که به ارتش و پلیس اعتمادی نیست». او به همین مقدار هم اکتفا نکرد بلکه تمام عراق را در خودش خلاصه کرد و همه رقبای خود را نادیده گرفت؛ گویی که او نماینده عراق و همه شهروندان عراق است. او گفت: «اگر طرح مقتدی صدر و رئیس حزب دمکرات کردستان عراق مسعود بارزانی و رئیس پارلمان عراق محمد حلبوسی خنثی نگردد، عراق وارد جنگ ویرانگری خواهد شد که خشک و تر را می سوزاند. هرگاه موفق شویم طرح آنان را خنثی کنیم، عراق نجات می یابد اما اگر موفق نشویم، عراق در **دایره سرخ** وارد خواهد شد». مالکی همواره از ادبیات تهدید و فرقه گرایی استفاده می کند و تلاش دارد تمام عراق را به وضعیت جنگ فرقه ای و مذهبی سوق دهد و حتی این وضعیت را در درون یک مذهب نیز ایجاد می کند. و این روشی است که او برای دنبال کردن دستاوردهای سیاسی به آن متوسل می شود. دید رایج درباره او این است که او یک فرقه گرای سرسختی است که در سالهای نخست وزیری خود اهل سنت و کردها را از پستهای حساس امنیتی کنار زد و مشارکت در **قدرت** را بسیار کم رنگ ساخت و با این کار، خشم و نارضایتی اهل سنت و کردها را برانگیخت. مالکی برخی از چهره های سنی که در روند سیاسی مشارکت داشتند مانند رافع العیساوی، طارق الهاشمی، احمد العلوانی و دیگران را مورد پیگرد قرار داد تا بر اساس همان رویکرد فرقه گرایی خود از آنان انتقام بگیرد. او دست برخی از گروههای شبه نظامی را در مورد قبایل سنی مذهب باز گذاشت. تا جایی که در سال 2017 میلادی کردها تهدید کردند که چنانچه مالکی بار دیگر **به نخست وزیری برسد**، آنان برای استقلال خود تلاش خواهند کرد. گزارشهایی در دست است مبنی بر اینکه در سال 2014 میلادی سازمان اطلاعات آمریکا به مالکی هشدار داده است که سیاستهای او خشم شدید و دشمنی **عراقیان اهل سنت** را برانگیخته است. پس، مالکی به کشور، تمدن، ملت و هویت عراق وقعی نمی نهد بلکه او از دیدگاه تنگ نظرانه مذهبی و ایدئولوژی محور به مسائل نگاه

می کند و این دیدگاه تهدیدی برای تمامی شهروندان عراق است و پایه های دولت قانون محور و مدرن را بر باد می دهد.

## مالکی و مرام حزب الدعوه

مالکی شخصیتی است که میان تناقضات جمع کرده است یعنی او همپیمان مورد اعتماد امریکا و ایران است و در عین حال، عضو حزب الدعوه و بلکه رهبر این حزب است. محمد باقر صدر بنیانگذار حزب الدعوه، خواهان یک دولت قانون محور شورایی بود. او در بولتن این حزب در سال 1960 تحت عنوان " اصول اسلامی " می نویسد: " اینکه در ما در مورد شکل حکومت در دوران غیبت هیچ نصی نداریم، به این معناست که تشکیل حکومت به روش شورا که حکومت شورایی و یا حکومت امت نامیده می شود، جایز است ". اما بعد از سال 1980 که صدر اعدام شد و برخی شخصیت های مورد حمایت ایران مانند حائری و آصفی که تحت تأثیر اندیشه ولایت فقیه بودند، کنترل این حزب را در اختیار خود گرفتند، آن دیدگاه اولیه نیز دگرگون شد و این حزب پیرو ولایت مطلقه فقیه گشت. هرچند که مالکی از دولت مدرن، دولت قانون و قانون اساسی بسپاردم می زند، اما واقعیت این است که به کار بردن این واژه ها یا صرفاً از باب مصلحت اندیشی است و یا او در صدد ارسال پیامهایی به **غریب** است. مسأله دیگری که نباید از آن غفلت کرد این است که مالکی نتوانسته میان مأموریت دیپلماتیک و مأموریت فرقه گرایانه و تندروانه خود تفکیک قائل شود. عراق کشوری است که از تنوع فرهنگی، مذهبی و قومی برخوردار است و این تنوع عامل قدرت و پویایی یک کشور است و یا حداقل باید اینگونه باشد. اما اگر تندروها به اختلافات فرقه ای دامن بزنند، این عامل قدرت به عامل ضعف بدل گشته و جامعه را از هم می پاشاند. و معمولاً یک فرد سیاستگر از روشهای دیپلماسی بهره می گیرد و در صورتیکه رجال دینی و یا جریانهای راستگرای افراطی به تعصب و فرقه گرایی میان مذاهب دامن بزنند، این سیاستگر با روش دیپلماسی می تواند این آتش فتنه را خاموش کند. اما در این مورد، سیاستگر همان کسی است که به تندروی و فرقه گرایی شهره است و به مسأله شهروندی و تکثرگرایی هیچ اعتنایی ندارد. و به مقدمات و شخصیت های بخشی از ملتی که روزی بر آنها حکم رانده، حمله می کند. این امر بدون در نظر گرفتن گرایشات سیاسی و معادلات انتخاباتی از افکار واقعی او خبر می دهد و از واقعیت دگرگونی عظیم در اندیشه و هویت حزب الدعوه بعد از مرگ محمد باقر صد ( وفات 1981 میلادی ) و مصادره شدن این حزب توسط جریان ولایتمدار مورد حمایت از خارج، حکایت دارد.

## پیامدهای اظهارات مالکی

به احتمال زیاد این اظهارات مالکی سبب می شود که او در انتخابات آینده بیشتر به حاشیه رانده شود؛ به ویژه اینکه بازیگران حوزوی با این اظهارات اخیر مالکی وی را خطری برای حوزه و تمام عراق دانسته و از تأیید وی سرباز می زنند. و پر واضح است که رقبای او از داخل جماعت شیعیان، برای جلب حمایت قشر سکولار، لیبرالیست ها، کردها و اهل سنت عراق این

سخنان مالکی را دستمایه قرارداداده و کارمالکی در ایجاد هرگونه ائتلاف در آینده را سخت تر می سازند. این احتمال نیز مطرح است که اظهارات اخیر مالکی محبوبیت وی را در میان شیعیان افزایش دهد. اما دلایل زیادی وجود دارد که این احتمال را بسیار ضعیف نشان می دهد. از جمله اینکه، اکثریت شیعیان از گزینه هایی که مرجع تقلیدشان معرفی می کند، و یا از گزینه های حزب سیاسی خودشان حمایت می کنند. و آن دسته از شیعیان که مستقل هستند در مقایسه با عده ای که در فقه و سیاست به مرجع خود می نگرند، بسیار اندک هستند. طیف دیگر، صدری ها هستند که بزرگترین جریان در میان شیعیان عراق هستند که از نگاه جریانهای غیر شیعی، به دلیل اینکه از فرقه گرای دوری می کنند، از مالکی بهتر هستند و می توانند با جریانهای سکولار و اهل سنت و کردها وارد ائتلافهای گسترده ای شوند. و در پایان، به نظر می رسد که عراق و تمامی شهروندان عراقی از مالکی و اندیشه فرقه گرایانه او عبور کرده اند و خواهان دولت مدرن قانون محور هستند که با حمایت مرجعیت به مطالبات خود دست یابند. از این رو، هم طرفهای داخلی و هم طرفهای منطقه ای با هرگونه تلاش برای سوق دادن عراق به سوی اختلافات مذهبی و فرقه ای مخالفند؛ زیرا امروز همه به یک عراق با ثبات و همگون نیازمندند.



---

✉ [info@rasanahiiis.com](mailto:info@rasanahiiis.com)

🐦 📺 📘 @rasanahiiis

🌐 [www.rasanah-iiis.org](http://www.rasanah-iiis.org)



